

مجموعه نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی

۴

زیر نظر فرزانه سجودی

# نشانه‌شناسی: نظریه و عمل

(مجموعه مقالات)

دکتر فرزانه سجودی



سنگ

تهران - ۱۳۸۸

## فهرست:

## صفحه

- ۱- معنا، مرجع و مصداق: بازانديشي يك بحث قديمي ۱
- ۲- دلالت: از سوسور تا دريدا ۴۷
- ۳- مسئله‌ی روش در نشانه‌شناسی: از روش‌شناسی اثبات‌گرا (پوزیتیویستی) تا روش‌شناسی پیدایشی ۷۳
- ۴- کدام نشانه؟ کدام نشانه‌شناسی؟ ۱۰۷
- ۵- ارتباطات بین فرهنگی: رویکردی نشانه‌شناختی ۱۲۷
- ۶- ارتباطات بین فرهنگی: ترجمه و نقش آن در فرایندهای جذب و طرد ۱۴۳
- ۷- نشانه‌شناسی زمان و گذر زمان؛ بررسی تطبیقی آثار کلامی و تصویری ۱۶۷
- ۸- نشانه‌شناسی لایه‌ای و کاربرد آن در تحلیل متن هنری ۲۰۹
- ۹- درآمدی بر نشانه‌شناسی خوراک: بررسی نمونه‌ای از گفتمان سینمایی ۲۳۱
- ۱۰- درآمدی بر نشانه‌شناسی رادیو ۲۵۱
- ۱۱- راهکارهای بیان غیاب: بررسی موردی فیلم روسری آبی ۲۶۷
- ۱۲- نشانه‌شناسی نوشتار: با نگاهی به رسانه، ادبیات و هنر خوشنویسی ۲۸۵
- ۱۳- چالش در لایه‌های متن: مسجد امام اصفهان ۳۳۵

## معنا، مرجع و مصداق: بازاندیشی یک بحث قدیمی

### چکیده

در این مقاله ضمن بررسی عمده‌ترین دیدگاه‌هایی که در زمینه‌ی رابطه‌ی زبان با معنا، مرجع و مصداق ارائه شده است (برای نمونه سعید ۱۹۹۷، لاینز ۱۹۷۷، صفوی ۱۳۸۳) به بحث و نقد آن دیدگاه‌ها خواهم پرداخت و کوشش می‌کنم تصویر دیگری که در اساس مبتنی بر نشانه‌شناسی لایه‌ای است ارائه دهم. در این بحث به رد قائل شدن وابستگی اثبات‌گرایانه‌ی زبان به جهان خواهم پرداخت؛ خلط مفاهیم دلالت و ارجاع از یک سو و خلط بین مفاهیم دلالت و مصداق را از سوی دیگر نقد خواهم کرد و کوشش می‌کنم نشان دهم که معنا در درون شبکه‌ی نظام صوری زبان شکل می‌گیرد و سپس در روابط بین نظام‌های نشانه‌های و در بافت کلام

بسط می‌یابد و در یکی از کارکردهایش البته می‌تواند به جهان خارج ارجاع دهد و ارجاع خود یک کارکرد زبانی است که با توسل به دیگر نظام‌های نشانه‌ای تحقق می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: معنا، مرجع، مصداق، بافت، نشانه‌شناسی لایه‌ای، معناشناسی

#### ۱- مقدمه

از دیر باز مسئله‌ی چپستی معنای زبانی، رابطه‌ی بین زبان و چیزهای جهان مادی و صدق و کذب عبارات زبانی در ارتباط با به اصطلاح "واقعیت‌های جهان" توجه بسیاری از فیلسوفان، منطق‌دانان و زبان‌شناسان را به خود معطوف کرده است که از آن جمله‌اند فرگه (۱۸۹۲ و ۱۹۸۰)، ویتگنشتاین (۱۹۵۳)، راسل (۱۹۰۵)، سرل (۱۹۶۹)، آستین (۱۹۷۶)، لاینز (۱۹۷۷)، سعید (۱۹۹۷) و صفوی (۱۳۸۳). در مجال این مقاله قصد بررسی آرا و آثار همه‌ی این متفکران را ندارم بلکه هر جا که مناسبتی داشته باشد به نظرات آنها اشاره‌ای خواهم کرد. مبنای اصلی بررسی در این مقاله نوشته‌های کم و بیش جامع لاینز، سعید و صفوی در این زمینه است و مبنای نقدی که در این نوشته مطرح می‌شود نوشته‌های ایشان خواهد بود. ابتدا به چگونگی شرح این مفاهیم در آثار این معنی‌شناسان پرداخته می‌شود و سپس شرح انتقادی این دیدگاه‌ها و سرانجام راه حل پیشنهادی مطرح خواهد شد.

۲- معنا، مرجع و مصداق: نگاهی به دیدگاه‌های لاینز، سعید و صفوی  
در میان مطالبی که در این زمینه نوشته شده است، نوشته‌های لاینز (۱۹۷۷ صص ۱۷۴-۲۱۵) از جامعیت بیشتری برخوردار است و تا حدی نیز مبنای نوشته‌های دو معناشناس دیگر فوق‌الذکر را تشکیل داده است. لذا نخست شرح مختصری از دیدگاه‌های او ارائه خواهد شد.

#### ۱-۲ شرح لاینز

لاینز بخش عمده‌ی فصل هفتم از جلد اول کتاب *معنی‌شناسی* خود را به بحث حول سه مفهوم بنیادی ارجاع (reference)، معنا (sense) و ارجاع مقوله‌ای (denotation) اختصاص داده است و این سه مقوله را از هم متمایز کرده است.

او در بحث درباره‌ی ارجاع به این نکته‌ی بسیار مهم اشاره می‌کند که "ارجاع مفهومی است وابسته به پاره گفتار" (ص ۱۰۷) و این نکته در ادامه‌ی این مقاله نیز یکی از مبانی بحث ما درباره‌ی ارجاع خواهد بود. لاینز با نقد آشفتگی اصطلاح شناختی این حوزه کوشش می‌کند تصویر روشن‌تری ارائه کند و می‌نویسد:

یکی دیگر از مسائل اصطلاح‌شناختی، ناشی از عدم توجه بسیاری از نویسندگان به تمایز بین جمله و پاره‌گفتار است و نادیده گرفتن این